



# همکاری ترویج بخش خصوصی و دولتی در نروژ

نویسنده: Rath . Haug

ترجمه: مهندس جواد محمدقلی نیا

مهندس فاطمه پاک‌نظر

## مقدمه مترجمان

خصوصی سازی (Privatization) مبحثی است که با فلسفه لیبرالیسم یا آزاد سازی (Liberalization) نمود بیشتری به خود گرفته است. پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز تعدادی از بحرانهای جهانی، نظیر رکود اقتصادی در دهه ۱۹۳۰، وقوع برخی از وقایع جهانی مانند شکست کمونیسم، مطرح شدن سیاست‌های تعدیل اقتصادی و ساختاری (structural adjustment) تثبیت (stabilization)، آشکار شدن نقایص مترتب بر سیستم دولتی و سرخوردگی رویکردهای دولت‌گرا (اهداف متعدد به جای اهداف معین، عدم استقلال یا استقلال ناقص به جای استقلال تام، واگرایی اهداف به جای همگرایی آنها، فقدان برنامه‌های راهبردی، انگیزه‌های غیر اقتصادی و سیاسی مدیران، فقدان نیروی انسانی ماهر، تقلیل فعالیتهای دولت در سه حوزه امنیت عمومی، پاسداری از کيان کشور و سرمایه گذاری در حوزه‌های نامطلوب برای بخش خصوصی و غیره)، کم‌رنگ شدن فلسفه تأسیس شرکتهای دولتی، دلایل ایدئولوژیک، عوامل و حوادث تاریخی، ضروریات عملی، مقتضیات زمان، ملاحظات اجتماعی و سیاسی و نظایر آنها باعث مطرح شدن مجدد بحث خصوصی سازی شده است. در واقع، بحثی که در ابتدا در برگیرنده و

خواهان نفع فردی صرف بود، بعد از تجارب عدیده، تبدیل به نوعی اهرم ساختار دهی اجتماعی شد. نگاهی اجمالی به مبحث خصوصی سازی نشان دهنده وجود موضوعاتی نظیر موارد ذیل است:

– واگذاری فعالیتهای دولت به بخش خصوصی،  
– انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی،  
– حذف اعطای هر گونه یارانه مستقیم و غیر مستقیم از طرف دولت،

– لغو سیاستهای محدود کننده با هدف ایجاد رقابت،  
– افزایش کارایی و بهره‌وری بخش دولتی

– کاهش کسری بودجه، تقلیل استقراض دولتی و همانند آن.

اینها خود گواه ارتباط نزدیک خصوصی سازی (واگذاری بنگاههای دولتی به بخش خصوصی)، بازارسازی (رها سازی قیمت کالاها و نرخ ارز و مقررات زدایی) و آزاد سازی تجاری (گشایش دروازه‌های اقتصادی به روی کالاهای خارجی) است. بخش کشاورزی نیز به عنوان یکی از زیر بخشهای موجود در اقتصاد ملی از این مورد مستثنا نیست. توجه به وضعیت کشاورزی و کشاورزان ایران، نشان دهنده حاکمیت نوعی نظام کشاورزی معیشتی، خرده مالکی و ایستامی باشد. دقت بیشتر در وضعیت بخش کشاورزی، نشان

می‌دهد که به تدریج گروهی از کشاورزان خیره با سرمایه قابل توجه، نظیر مرغداران صنعتی، دامداران صنعتی، زنبورداران و ... در حال ورود به این بخش هستند. بخش ترویج نیز به عنوان یکی از زیر بخشهای کشاورزی در حیطه اهداف خود می‌تواند هدایتگر پیاده ساختن سیاست خصوصی – سازی در بخش کشاورزی باشد. باید توجه داشت که تمامی کارکردهای ترویج، جاذبه چندانی برای بخش خصوصی ندارد. البته کارکردهایی نظیر ارائه آموزشهای تخصصی، انتقال فناوری، اطلاع رسانی و نظایر آن از جاذبه کافی برای واگذاری به بخش خصوصی برخوردارند. علاوه بر موارد بالا، در صورت وجود وضعیتهای زیر، بخش خصوصی رغبت چندانی برای به دست گیری فعالیتهای، از خود نشان نخواهد داد:

– وقتی که خط مشی و احاطه قانونی ضعیف باشد،  
– هنگامی که جمعیت‌های هدف دور از مرکز مورد نظر باشد،

– وقتی که زیرساختهای مقدماتی شکل نگرفته باشند،  
– هنگامی که عمده کالاهای اساسی غذایی توسط کشاورزان معیشتی تولید می‌شوند.

به منظور خصوصی سازی در فعالیتهای ترویج، نهادهایی نظیر نهادهای زیر از صلاحیت بالاتری



برخوردارند.  
- مؤسسات انتفاعی، شامل سرمایه گذاران بومی،  
مزرعه داران بزرگ، بنگاههای بومی و تعاونیهای  
محلی؛

- انجمن های عضودار، مانند انجمن کشاورزان؛  
- سازمانهای غیر انتفاعی، مانند برخی از سازمانهای  
غیر دولتی (NGOS).

بررسی جریان خصوصی سازی نشان دهنده این  
واقعیت است که خصوصی سازی در ترویج ممکن است  
منشأ داخلی یا خارجی داشته باشد؛ یعنی گاه با کمک  
بنگاههای خارجی برای فعالیت در داخل کشور است  
و گاه با همکاری کارشناسان داخلی. نکته قابل توجه  
در واگذاری کارها به بخش خصوصی این است که،  
گاه ممکن است انگیزه سود برانگیزه دانایی و ارائه  
خدمات غلبه کند، که در این صورت، ترویج از مسیر  
اصلی خود منحرف خواهد شد. برای خصوصی سازی  
در ترویج رهیافتهای متفاوتی مورد استفاده قرار  
می گیرند که برخی از آنها عبارتند از:

ترویج مبتنی بر کالا، تکیه بر نظامهای عرضه نهاده  
(نظام تحویل دهنده)، استفاده از مشاوران خصوصی  
(نظام مشاوره ای)، نظامهای ترویج مبتنی بر  
مخاطبان و نیز سازمانهای ترویج کنترل شده توسط  
کشاورزان.

لذا طراحی ساختار چنین نظامی با کارکرد ویژه خود  
وبا در نظر گرفتن رهیافتی خاص، مستلزم توجه به  
ارکان و انواع ترویج، کارکردهای آن و مسائل مشابه  
دیگر است.

## ترویج کشاورزی در نروژ

تشکلهای تحقیقی- ترویجی مبتنی بر کشاورزان در  
نروژ- که گروه تجربی کشاورزی یا تشکلهای ترویجی  
نیز نامیده می شوند- نمونه موفقیتی از همکاری موفقیت  
آمیز میان بخش دولتی و خصوصی در ترویج  
کشاورزی اند. این مقاله به بحث در مورد عواملی  
می پردازد که نهادینه شدن تشکلهای تسهیل می کنند  
و درسهایی را که از این امر می توان آموخت بیان  
می دارد.

خدمات ترویج کشاورزی نروژ، مجموعه ای از  
فعالیتهای مختلف بخش دولتی و خصوصی است.  
تقریباً ۵۵۰۰ نفر کارمند حرفه ای در سرویس ترویج

**بررسی جریان خصوصی سازی نشان دهنده این واقعیت است که خصوصی سازی در ترویج ممکن است منشأ داخلی یا خارجی داشته باشد؛ یعنی گاه با کمک بنگاههای خارجی برای فعالیت در داخل کشور است و گاه با همکاری کارشناسان داخلی. نکته قابل توجه در واگذاری کارها به بخش خصوصی این است که گاه ممکن است انگیزه سود بر انگیزه دانایی و ارائه خدمات غلبه کند، که در این صورت ترویج از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد.**

کشاورزی فعالیت دارند که اندکی از آنها دارای تخصص کاملاً ترویجی هستند. اکثر فعالیتهای ترویجی یا سایر فعالیتهای تلفیق شده و این امر، هم در مورد بخش دولتی و هم در مورد بخش خصوصی صادق است. خدمات ترویج کشاورزی از سوی نهادهای زیر ارائه می شوند:

**الف)** سازمانهای دولتی که در آنها خدمات توسعه کشاورزی عمومی با ترویج تلفیق شده اند.

**ب)** تشکلهای تحقیقی - ترویجی خصوصی تحت حمایت دولت که دولت و بخش خصوصی در قالب آنها با هم همکاری می کنند.

**ج)** سازمانهای کشاورزان که در آنها توسعه کشاورزی و تولید، بخشی از منافع اعضا را تشکیل می دهند.

**د)** سازمانهای دامپروری که در آنها بخش خصوصی با فعالیتهای بازاریابی و کنترل کیفیت، تلفیق می شود.

**ه)** بانکها که عهده دار تأمین و اعطای اعتبارند؛ اما فعالیتهای ترویجی از فعالیتهای حمایتی محسوب می شود.

**ی)** شرکتهای خصوصی که از ترویج به عنوان یک کارکرد حمایتی برای فعالیتهای اصلی شان در فروش نهادهای کشاورزی و ماشین آلات استفاده می کنند.

در نروژ، کارشناسان حرفه ای ترویج، کارشناسان توسعه کشاورزی محسوب می شوند، نه مروج کشاورزی، طبق طبقه بندی وایدمن (Weidemanns, 1987) از ترویج متعارف، خدمات چند گانه در نروژ به صورت زیر است:

ترویج متعارف کشاورزی بنگاههای دولتی، ترکیبی از

ترویج متعارف کشاورزی و توسعه کشاورزی یکپارچه (تشکلهای دولتی)، تحقیق و ترویج نظامهای مزرعه ای (تشکلهای خصوصی تحقیق و ترویج که تا حدودی از سوی دولت حمایت می شوند)، نظامهای تولید و توسعه کالا (سازمانهای دامپروری، بانکها، شرکتهای خصوصی). در نروژ هر دو رهیافت انتقالی (نظارتی، بالا به پایین) و اکتسابی (پایین به بالا، زارع محور، مشارکتی) به کار می رود.

۵۵۰۰ نفر از افراد حرفه ای در هزار پست به طور تمام وقت مشغول به کارند و هر کدام به طور تمام وقت ۹۰ کشاورز را تحت پوشش دارند. (Oyen, 1982) در کلیه سازمانهای خدمات ترویجی قابل دسترس کشاورزان، تشکلهای به طور منظم سهم هستند و ۲۰۰ نفر از کارکنان حرفه ای در کارهای تحقیقی - ترویجی به کار مشغولند. قبل از آغاز مباحث تخصصی، توصیف اوضاع جغرافیایی نروژ به منظور مشخص کردن شرایط خدمات ترویج کشاورزی، لازم است. مساحت نروژ تقریباً برابر با ایالت کالیفرنیا است، لیکن از ۳۸۷/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت ۳ درصد آن قابل کشت است. از جمعیت ۴/۱ میلیون نفری این کشور، ۹۰ هزار نفر کشاورزند، اگر چه بیشتر از نصف کشاورزان، کمتر از ۵۰ درصد سرمایه خالص از کشاورزی را دریافت می کنند. حد متوسط مزارع ۱۰ هکتار است. کشاورزی ۳/۶ درصد از تولید خالص ملی را تأمین و ۴۰ درصد از احتیاجات غذایی را تولید می کند. طبق گزارش سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD, 1990) ۷۴ درصد از تولیدات کشاورزان نروژ، بدون حمایت مالی دولت قابل تحصیل نیست و کمک سرانه سالانه در بخش کشاورزی حدود ۶۶۰ دلار است.

### تشکلهای تحقیقی - ترویجی

در دهه ۱۹۵۰ مسئولان توسعه کشاورزی بخش دولتی در سطوح ناحیه ای و محلی کارهای اداری مضاعفی انجام می دادند که نتیجه آنها کاهش فعالیتهای ترویجی بود. کشاورزان شکایت داشتند که مسئولان، وقت کمی برای ترویج دارند و غالباً با مشکلات کشاورزی آشنا نیستند.

در اوایل دهه ۷۰، سازمانهای اقتصادی کشاورزان، این مورد را در جلسات سالانه خود با دولت در زمینه

یارانه ها، قیمت ها و سیاستهای کشاورزی مطرح کردند. در سال ۱۹۷۱ دولت موافقت کرد که یک سرویس جدید خصوصی با حمایت دولت را تأمین مالی کند که "دایره تحقیق و ترویج کشاورزی" یا "گروههای تجربی و تشکلهای ترویجی" نامیده می شدند. تشکلهای تحقیقی - ترویجی با حضور اعضا و حق عضویت آنها شناخته می شوند و ساختارشان متشکل از کشاورزان، ترکیب فعالیتهای تحقیقی - ترویجی و فعالیتهای تحقیقی منطبق با مزرعه است. این تشکلها تقریباً در بسیاری از نواحی نروژ که دولت کمک مالی ارائه می کند، وجود دارد. اولین تشکل خصوصی در سال ۱۹۳۷ و دومین آن در سال ۱۹۵۵ شکل گرفت. در سال ۱۹۶۲، تعداد ۲۰ تشکل تأسیس شده بود. در حال حاضر حدود ۱۰۰ تشکل با ۲۲۰۰۰ عضو در نروژ وجود دارد. سرمایه گذاری دولت (حمایت محلی و ملی) بین ۵۰ تا ۸۰ درصد از هزینه تشکلها که بستگی به تشکل محلی دارد، در نظر گرفته می شود. همچنین نواحی دوردست، بیشتر حمایت می شوند. این تشکلها از اعضای داوطلب تشکیل شده اند.

تقریباً ۲۵ درصد از کشاورزان نروژی عضو تشکلهای مذکورند و ۷۵ درصد بقیه به وسیله بخش ترویج دولتی یا سازمانهای دیگر و یا شرکتهای خصوصی که

**خدمات ترویج کشاورزی نروژ، مجموعه ای از فعالیتهای مختلف بخش دولتی و خصوصی است. تقریباً ۵۵۰۰ نفر کارمند حرفه ای در سرویس ترویج کشاورزی فعالیت دارند که اندکی از آنها دارای تخصص کاملاً ترویجی هستند. اکثر فعالیتهای ترویجی با سایر فعالیتهای تلفیق شده و این امر، هم در مورد بخش خصوصی صادق است.**

فعالیتهای ترویجی را تقبل کرده اند، حمایت می شوند. از جمله دلایلی که چرا فقط ۲۵ درصد از کشاورزان، عضو این تشکلها هستند این است که کشاورزان در نروژ به طور تمام وقت کار می کنند.

یکی از خصوصیات اصلی تشکلها، اداره شدن آنها به

وسیله اعضا و کارکنان خود است. در جلسات، اعضای هیأت مدیره انتخاب شده و مسئولیت مشارکت، تصمیم گیری ها و ارزشیابی فعالیت های تشکل را به عهده می گیرند. همچنین در این جلسات، اعضا،

مساحت نروژ تقریباً برابر با ایالت کالیفرنیا است، لیکن از ۲۸۷/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت ۳ درصد آن قابل کشت است. از جمعیت ۴/۱ میلیون نفری این کشور، ۹۰ هزار نفر کشاورزند، اگر چه بیشتر از نصف کشاورزان، کمتر از ۵۰ درصد سرمایه خالص از کشاورزی را دریافت می کنند.

موضوعات تحقیق و اولویت ها را مشخص می سازند. به علاوه، تحقیق راهبردی را از ایستگاه های تحقیق بین المللی و دانشگاه ها دریافت می کنند. تشکل ها، واحدهای اداری مالی خود را در دانشگاهها تأسیس می کنند، ولی جزء دانشگاهها محسوب نمی شوند. این واحدهای اداری تحت حمایت هستند و خدمات و اطلاعات ارائه می کنند.

طبق قانون عمومی تشکل ها که در جلسه سالانه ۱۹۹۰ تصویب شد، اهداف به طور آزمایشی در مزارع اجرایی شوند. نمونه گیری خاک، ثبت کارها و ارزیابی اقتصادی موضوعات مدیریت مزرعه به مرحله اجرا درمی آیند. دستور آنها با سؤالات عملی مربوط به تولیدات کشاورزی توضیح داده می شود. تهیه اطلاعات کشاورزی و سرویس های مشورتی برای اعضا، مشارکت فعال جامعه کشاورزی نروژ رانشویق می کند. تحقیقات تشکل ها در سطح مزرعه انجام می شود (تحقیقات تطبیقی) و میزان مشارکت کشاورزان در تحقیق مزرعه متفاوت است. رهبر تشکل ها مسئول بیشتر کارها است. یک یا چند تکنسین در فصل کاری برای انجام دادن آزمایش های تحقیقاتی استخدام می شوند.

اگر چه کشاورزان در آزمایش های سطح مزرعه به صورت عملی درگیر نیستند، ولی با علاقه مندی آنها را دنبال می کنند. دوازده تشکل، فعالیت های تحقیقی - ترویجی خود را در راستای موضوعات مرتبط با کشاورزی پایدار کم - نهاده قرار داده اند. رهبران تشکل ها مسئولند اعضا را با نتایج تحقیقات

آشنا کرده، توصیه های فنی لازم را ارائه دهند. آنها از این روشهای ترویجی استفاده می کنند: جلسات آشنایی اعضا، جلسات بحث موضوعی روز مزرعه، نشریات، گزارش تحقیقات سالانه، ملاقات در مزرعه و تماس تلفنی. به علاوه رهبران تشکلها از طریق ارائه مشاوره، جواب سؤالات فردی اعضا را نیز می دهند.

## تحقیق و ترویج با رهبریت کشاورزان

تشکل تحقیقی - ترویجی (R/E) شباهت زیادی با مدل ترویج و تحقیق نظامهای زراعی (FSR/E) که توسط کشاورزان هدایت می شود دارد. هر دو سیستم، درگیر تحقیق و ترویج منطبق بر تحقیق در مزرعه (On - Farm) هستند و اختلاف آنها در این است که مدل ترویج و تحقیق نظام های زراعی معمولاً ترویج دولتی است، ولی (R/E) ترویج خصوصی است. به هر حال در نروژ تشکل ها به شکل اجتماع محلی توسعه پیدا کرده اند، در حالی که مدل ترویج و تحقیق نظام های زراعی (FSR/E) به شکل سازمان های رسمی و رهیافت آن از بالا به پایین است. تشکل های (R/E) به خدمات ترویجی در نروژ جان تازه بخشیده و در افزایش محصول و فعال کردن جامعه روستایی سهیم بوده اند. ایجاد تشکل های تحقیقی - ترویجی در سراسر کشور از دید کشاورزان، مروجان و محققان به دلایل زیر موفقیت آمیز بوده است:

## ۱- ساختار هدایت شده توسط کشاورزان

کشاورزان مسئول اجرای کارهای تشکلها هستند که از جمله عبارتند از: اولویت بندی و تصمیم گیری. تشکل ها شعار "برای کشاورزان به وسیله کشاورزان" را مورد توجه قرار می دهند. رهبر تشکل - یا کارمند عالی رتبه تحقیق و ترویج - به وسیله خود اعضا انتخاب

و مشغول به کار می شود. رهبر، نقش مشاور را در انجام تصمیمات دارد. تشکلها طوری سازمان یافته اند که کشاورزان احساس مسئولیت کنند و درباره اجرا و تولیدات فعالیت های تشکل ها وظیفه شناس باشند. تشکل ها همچنین فرصت استثنائی برای کشاورزان فراهم می کنند تا پیام مناسب و صحیح و یک مدل ترویجی باقی بگذارند که قابلیت استفاده اجتماعی داشته باشد.

## ۲- ترویج خصوصی مبتنی بر پرداخت هزینه کشاورزی و حمایت دولتی

اعضا برای خدمات تحقیقی - ترویجی خودشان کمک مالی می کنند و به نظر می رسد که این امر ارزش بیشتری نسبت به خدمات رایگان دارد. این امر آنها را به ارزش اجرای خدمت بیشتر در مواقع بحرانی سوق می دهد تا مطمئن شوند که در قبال پول صرف شده، تسهیلاتی را به دست خواهند آورد و به علاوه آنها را مطمئن می سازد که در ازای پرداخت کمکهای مالی، تشکلها به آنها کمک می کنند و حتی این حق را برای خود محفوظ می دارند که از تشکل ها درخواست کمک کنند.

## ۳- تحقیق تطبیقی در سطح مزرعه

تحقیق بر اساس شرایط آب و هوایی و خاک انجام می گیرد. بنابراین کشاورزان به آسانی می توانند شرایط زراعت خود را با شرایط آزمایشگاهی مشخص کنند. کشاورزان همچنین می توانند پیشرفت آزمایشهای تطبیقی در سطح مزرعه را از طریق اعضای که نقشه تحقیق را فراهم کرده اند، دنبال کنند.

## ۴- ترکیب ترویج و تحقیق تطبیقی

تشکل ها امر تحقیق و نیز ترویج را با مسئولیت رهبر تشکل بر عهده دارند. این امر شکاف بین تحقیق و ترویج را کاهش می دهد و از آنجا که مسئول ترویج،

تشکل تحقیقی - ترویجی (R/E) شباهت زیادی با مدل تحقیق نظامهای زراعی (FSR/E) که توسط کشاورزان هدایت می شود دارد. هر دو سیستم، درگیر تحقیق و ترویج منطبق بر تحقیق در مزرعه (On - Farm) هستند و اختلاف آنها در این است که مدل ترویج و تحقیق نظام های زراعی معمولاً ترویج دولتی است، ولی (R/E) ترویج خصوصی است. به هر حال در نروژ تشکل ها به شکل اجتماع محلی توسعه پیدا کرده اند. در حالی که مدل ترویج و تحقیق نظام های زراعی (FSR/E) به شکل سازمان های رسمی و رهیافت آن از بالا به پایین است.

همزمان جوابگوی تحقیق نیز محسوب می‌شود، همیشه آخرین نتایج تحقیق را می‌داند و از چگونگی به دست آمدن نتایج دقیقاً مطلع است و از این رو میتواند ضعفهای احتمالی کار را مشخص کند.

### نهادینه کردن ترویج دولتی / خصوصی از طریق تشکلهای تحقیق و ترویج

اثر بخشی تلاشها برای بنیادی کردن جریان توسعه ممکن است توسط سه شاخص زیر به دست آید :

- ۱- توانایی دوام یا پایداری،
- ۲- توانایی ایجاد ارزش‌های ذاتی به واسطه درک کردن شرایط و محیط مؤسسه،
- ۳- گسترش قوانین و نظریات مؤسسه (Blase, 1986)

بهره‌برداری از این سه شاخص برای سنجیدن تشکلهای تحقیقی - ترویجی مؤثر بوده است. این تشکلهای از سال ۱۹۳۷ که اولین تشکل خصوصی تأسیس شد تا به امروز باقی مانده‌اند و از سال ۱۹۷۱ تا به حال با حمایت دولت به کار خود ادامه داده‌اند. تشکلهای دیدگاه شراکت کشاورزان می‌توانند تأسیس شوند. سیاست‌ها و سیستم تشکل‌ها خدمات با ارزشی را برای کشاورزان فراهم می‌کند. به علاوه تشکلهای نقش مهمی در تحرک کشاورزان برای مشارکت فعالانه و بهبود عملیات زراعی آنها ایفا می‌کنند.

با توجه به این سه شاخص، بلاس (Blase, 1986) اهمیت رهبری در توسعه بنیادی اثر بخش را با تأکید بر رهبری به عنوان یک تغییر مهم، متذکر می‌شود. این موضوع، همچنین تشکلهای را به کار و می‌دارد. بعضی‌ها در تشکیل تشکل‌ها پیشقدم می‌شوند. همه کشاورزان، کارهای اداری مربوط به تأسیس تشکل‌ها را با هم انجام می‌دهند و همه عضو هیأت هستند (Bunch, 1982).

یک مؤسسه نه تنها به وسیله سازماندهی کشاورزان، بلکه از احساس اطمینان در میان مردم، احساس تعلق و هویت سازمانی و احساس تعلق و هویتی که اندازه‌گیری و ارزیابی آن مشکل است، موجودیت پیدا می‌کند. به هر حال، این عناصر اهمیت زیاد و روشنی دارند. تشکل‌های منبعث از این کشاورزان را می‌توان نوعی توسعه بنیادی به حساب آورد. بر این اساس،

چند تن از صاحب‌نظران، در مورد موفقیت توسعه نهادی، بر اهمیت سیستم‌هایی که موجب فعالیت مؤثر می‌شوند، تأکید می‌کنند. (Heaver, 1982, Chambers, 1989, Tobelem; 1990).

مروجین تحقیق و ترویج (یا رهبران تشکل) نمی‌توانند با انگیزه کار کنند، مگر در صورت افزایش امکانات و یا افزایش حقوق یا سایر مزایا. ساعات کاری آنها نامنظم است. زمانی که سایر نیروی‌ها در تعطیلات تابستان هستند، آنها در فصل زراعت به طور تمام وقت کار می‌کنند. برای متقاضی شغل رهبری، چنین مسائلی مورد توجه قرار می‌گیرد. شرایط فوق‌الذکر در بین دانشجویان دانشکده مورد قبول واقع شده، زیرا به طور مستقیم به شکل تئوری و عملی با کشاورزان سر و کار دارند. هر چند همیشه حقوق و امکانات برای ترقی وجود ندارد که آنان را جذب کند، اما فرصت کار کردن وجود دارد و لذا آنها ترجیح می‌دهند که حرفه‌ای کار بکنند.

انگیزه پیوستن کشاورزان به تشکل، فراهم شدن امکانات افزایش تولید است. به علاوه هر زمان که نیاز باشد خدمات ترویجی نیز در دسترسند. آموزش اجتماعی یک جنبه مهم از توسعه نهادی محسوب می‌شود. تشکل، اعضا را مثل زنجیر به هم متصل می‌کند و در اعمال ابتکاری، جامعه کشاورزان را در فعالیت‌ها مشارکت می‌دهد. البته سیستم حمایتی، دو طرفه است، زیرا که دولت حمایت مالی و نیروی انسانی ارائه می‌کند و کشاورزان پول می‌پردازند و در قبال اعمال تشکل مسئول هستند. در پاسخ به این پرسش که چه چیز به نهادی کردن تشکل‌ها کمک می‌کند تا کشاورزان احساس نیاز بکنند، باید گفت اول، « سیستم حمایتی موجود و انتخاب رهبافت مناسب.»

در نروژ، کشاورزان با سازمان‌دهی خرد و کار جمعی آشنا هستند و در تشکیل سازمانها پیشقدم می‌شوند که این امر تأسیس تشکل‌ها را آسان می‌سازد. دوم، حمایت از سطح سیاسی افراد خبره که در ایجاد یک جو مثبت، مشارکت دارند که این کار کشاورزان را در یک سطح درآمد مطمئن، نگه می‌دارد. این خط مشی، قابل دستیابی است. از آنجا که سیاست عمومی این است که یارانه‌ها از طریق مالیات بندی پرداخت شود، نیاز احساس شده در میان کشاورزان، نهادینه کردن

تشکل‌ها را آسان می‌کند. سوم، در جامعه حرفه‌ای کشاورزی، تشکلهای مورد استقبال هستند و آنها را، جمعیتی که فرصت رقابت دارند، ارزیابی می‌کنند.

### درسهایی از تجربه نروژ

اگر چه سیستم تشکلهای تحقیقی - ترویجی در نروژ موفق بوده، اما نمی‌توان آن را در سایر کشورهایی که شرایط نروژ را ندارند، اجرا کرد. یا در نظر گرفتن اهمیت مبانی ترویج در موفقیت خاص (بانک جهانی ۱۹۹۰) هنوز مواردی وجود دارد که در مورد آنها از تجارب نروژ می‌توان استفاده کرد.

به هر حال، زمانی که می‌خواهیم از این تجارب یا درسهای استفاده کنیم باید خصوصیات خاص نروژ را بخاطر داشته باشیم: یک کشور کوچک با جمعیت کم و همگون و هماهنگ، کشاورزان نسبتاً کم با مزارع کوچک، درجه مکانیزاسیون بالا و کشوری ثروتمند با تمایل سیاسی برای حمایت از بخش کشاورزی می‌باشد.

در سراسر کشور، تشکل‌های تحقیقی - ترویجی بر مبنای ساختار موجود تأسیس شده‌اند. البته تعداد کمی از این تشکلهای کاملاً خصوصی‌اند و با حمایت مالی دولت در سال ۱۹۹۱ موجودیت یافته‌اند و با این وضع، آشکار است که چنین تشکلهایی توان کار کردن را دارند.

به منظور موفقیت خدمات تحقیقی - ترویجی، محیط سیاسی باید مناسب باشد (Rivera, 1989). باید نوعی تمایل سیاسی برای توسعه و تکمیل خط مشی کشاورزی - البته با در نظر گرفتن منافع کشاورزان - که منابع ضروری قابل دسترس برای توسعه کشاورزی را فراهم سازد، وجود داشته باشد.

### ترویج مبتنی بر کشاورزان

نظام مشارکت مالی و اداری میان دولت و کشاورزان منافع متعدد و مهمی را برای کشاورزان به ارمغان آورده است: آنها احساس می‌کنند که از برنامه حمایتی دولت سود می‌برند، معتقدند که تشکل‌ها متعلق به خودشان است، خدمات را به طور متفاوت ارزش گذاری می‌کنند، حتی وقتی که این خدمات رایگان هستند، بنابراین عملکرد را ارزشیابی کرده و با نقادی بیشتر و احساس اعتماد بالاتر از یک کارمند ترویج، انتظار



ارائه خدمات دارند.

تجربه نروژ، با تشکل‌های تحقیقی - ترویجی برای ترویج مبتنی بر کشاورزان، پتانسیل اولیه موفقیت را ارائه می‌دهد. این سیستم یک نمونه از چگونگی مشارکت ترویج کشاورز محور در عمل است. تشکلهای کشاورزان را در هر سطحی از فرایند تشخیص و تصمیم‌گیری تقویت می‌کنند. زیرا بدین ترتیب آنها مسئول ارزیابی نتایج خودشان هستند.

این امر کشاورزان را مسئول می‌کند و روحیه مشارکت در تلاشهای توسعه و بهبود کشاورزی جامعه خودشان را در آنها تقویت می‌کند.

تأسیس این تشکل‌های سراسری، موفقیتی برای کشاورزان و توانایی کشاورزی نروژ محسوب می‌شود. اگر چه شرایط برای توسعه ترویج کشاورزی، از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند، اما درسهایی از تجربه نروژ برای یادگیری وجود دارد.

عوامل اصلی که در موفقیت این تشکل‌ها مؤثرند به این شرح هستند: تأسیس نظام بر اساس ساختار موجود، وجود حمایت‌های سیاسی، همکاری دولتی و خصوصی (بر اساس حمایت‌های مالی اعضا) شروع کار توسط کشاورزان، نظام رهبری کشاورزان، ترکیبی از تحقیق و ترویج در سطح محلی و تحقیقات سازگار با

مزرعه.

در شرایطی که فاکتورهای مشابه در سایر موقعیتهای وجود داشته باشد، تشکل‌های تحقیق و ترویج می‌توانند شرایط مناسبی را برای موفقیت در توسعه کشاورزی فراهم سازند.

اگر چه سیستم تشکلهای تحقیقی - ترویجی در نروژ موفق بوده، اما نمی‌توان آن را در سایر کشورهایی که شرایط نروژ را ندارند، اجرا کرد. با در نظر گرفتن اهمیت مبانی ترویج در موقعیت خاص (بانک جهانی ۱۹۹۰) هنوز مواردی وجود دارد که در مورد آنها از تجارب نروژ می‌توان استفاده کرد. به هر حال، زمانی که می‌خواهیم از این تجارب یا درسها استفاده کنیم باید خصوصیات خاص نروژ را بخاطر داشته باشیم: یک کشور کوچک با جمعیت کم و همگون و هماهنگ، کشاورزان نسبتاً کم با مزارع کوچک، درجه مکانیزاسیون بالا و کشوری ثروتمند با تمایل سیاسی برای حمایت از بخش کشاورزی می‌باشد.

### خلاصه

خدمات ترویج کشاورزی برای کشاورزان نروژی در قالب ترکیب پیچیده و متفاوت ترویج بخش دولتی و خصوصی فراهم شده است. این مقاله اقدام به تشریح دقیق شش سیستم اصلی ترویج در نروژ می‌کند.

ورای همکاریهای دولتی - خصوصی، سازمانهای اقتصادی کشاورزان به صورت اولیه ایجاد می‌شوند. تشکل‌های تحقیقی - ترویجی که توسط کشاورزان شروع شده، متکی به عضویت کشاورزان است و اعضا مسئول اداره کردن آن هستند.

